

شناسایه کودكان در خطر ومداخله موثر برای حفاظت از آنان





مرکز عدالت
برای کودکان و نوجوانان

شناسایه کودكان در خطر ومداخله موثر برای حفاظت از آنان

نشانه‌ها و عوارض خشونت بسیار گسترده هستند و پرداختن به همه آنها در یک یادداشت کوتاه دشوار است اما اگر شما کودکی را در معرض این نوع خشونت‌ها می‌بینید، نباید سکوت کنید. مداخله شما می‌تواند تغییر بزرگی در زندگی کودک ایجاد کند.

هر نوع خشونتی جراحی برای کودک است. اگرچه آزارهای جسمی آشکار هستند اما آزارهای روانی زخم‌های عمیق‌تر و ماندگارتری دارند. آزارهای روانی کودک باعث تخریب اعتماد به نفس کودک، توانایی برقراری ارتباط سالم و عملکرد درست او می‌شوند.

کودکی که تحت خشونت است در برقرار ارتباط با دیگران و اعتماد به افراد مختلف دچار مشکلات جدی است. این مساله نه تنها در کودکی یک مساله مهم است بلکه مشکلات او در بزرگسالی بزرگتر و جدی‌تر نیز خواهد بود.

علاوه بر این کودک تحت خشونت همواره خود را بی‌ارزش و آسیب دیده می‌بیند. کودکی که دائماً سرکوب می‌شود، احمق، کم‌هوش و بی‌ادب دانسته می‌شود این توصیف‌های خشونت‌آمیز را به عنوان بخشی از واقعیت‌های وجودی خود می‌پذیرد. کودکی که دچار خشونت‌های فیزیکی و روانی است به سختی می‌توان اعتماد به نفس داد.

خشونت‌های رایج علیه کودکان

رفتارهای خشونت‌آمیز شکل‌های مختلفی دارند. کودکی که در معرض خشونت است نمی‌تواند به والدینش اعتماد کند و حتی قادر نیست رفتارهای آنها را پیش بینی کند. خشونت‌های رایج علیه کودکان عبارتند از:

آزارهای عاطفی:

آزارهای عاطفی شکلی از خشونت علیه کودکان هستند که سلامت روانی کودک را به خطر می‌اندازند و مانع رشد شخصیتی و اجتماعی کودک می‌شوند. تحقیر دائمی کودک، توهین به کودک، عبارت‌های سخیف، ایجاد این باور که تو بی‌ارزش، بد، گناهکاری، تهدید، نادیده‌گرفتن و بی‌توجهی به کودک به عنوان راهی برای مجازات، تهدید در سکوت و غر زدن بر سر کودک نشانه‌های خشونت‌های عاطفی علیه کودک هستند. علاوه بر این دریغ کردن بوسه، آغوش و عدم تماس جسمی کافی با کودک برای ابراز محبت نیز آزارهای عاطفی هستند.

نادیده گرفتن:

بی‌توجهی و نادیده گرفتن کودک یکی از اشکال رایج خشونت علیه کودکان است. بی‌توجهی به معنای نادیده گرفتن نیازهای اساسی کودک مثل غذای کافی و سالک، پوشاک، بهداشت و مراقبت است. تشخیص بی‌توجهی به کودک همیشه ساده نیست. والدی که دچار مشکلات

روحی، افسردگی و اضطراب است نیز می‌تواند به اندازه یک والد معتاد به الکل یا مواد مخدر به کودک خود بی‌توجهی کند.

کودکی که در معرض بی‌توجهی است ممکن است رفتار متفاوتی از کودکان دیگر نداشته باشد و نشانه‌های عدم مراقبت را نشان ندهد و چه بسا نقش والد خود را نیز به عهده بگیرد. اما در نهایت زمانی فرا می‌رسد که بی‌توجهی به نیازهای اساسی کودک به شکل رفتارهای تهاجمی، افسردگی و ناامیدی بروز پیدا می‌کند.

آزارهای جسمی:

آزارهای جسمی هر نوع صدمه و آسیب فیزیکی به کودک را شامل می‌شود. آزارهای جسمانی اثر خود را روی بدن به شکل زخم، سوختگی و کوفتگی نمایان می‌کنند. برخی از والدین با هدف آسیب رساندن به کودک او را مورد خشونت جسمی قرار می‌دهند. اما همیشه هم اینطور نیست. گاهی والدین برای تنبیه و به عنوان یک شیوه آموزشی از آزار جسمی استفاده می‌کنند.

خیلی از والدین برای بیان خشم و ناراحتی خود و یا اصلاح یک رفتار کودک را مورد خشونت قرار می‌دهند. اما چگونه ممکن است کودکی با ترس تنبیه و آسیب جسمی چیزی را بیاموزد؟

آزارهای جنسی:

آزارهای جنسی نوع پیچیده آزار کودکان است. آزارهای جنسی همیشه با تماس‌های جسمی همراه نیست. قرار دادن کودک در موقعیت‌های جنسی و تماس‌های بی‌مورد و لمس ناخوشایند بدن کودک شامل آزارهای جنسی می‌شوند.

آزارهای جنسی معمولاً توسط کسانی انجام می‌شود که کودک آنها را می‌شناسد و به او اعتماد کرده است. اما آنطور که عموم مردم تصور می‌کنند آزارهای جنسی فقط برای دخترها اتفاق نمی‌افتد و پسرها دو برابر بیشتر از دخترها در معرض خشونت جنسی قرار می‌گیرند.

خشونت علیه کودکان همیشه آشکار و قابل تشخیص نیست اما با شناخت نشانه‌های هشدار دهنده می‌توانید به کمک کودکی خشونت دیده بشتابید. البته اینکه شما یک نشانه خطرناک را مشاهده کرده‌اید به معنای آن نیست که کودک حتماً در معرض خشونت است و باید برای مقابله با آن اقدام کنید، اما این نشانه‌ها به شما هشدار می‌دهند که عمیق‌تر و جدی‌تر به رفتارهای والدین کودک توجه کنید

کودک در معرض خشونت عاطفی به راحتی برآشفته می‌شود، مضطرب است و از همه چیز می‌ترسد. او ممکن است بسیار خنثی رفتار کند یا رفتارهای پرخاشگرانه داشته باشد و معمولاً تمایلی به برقراری ارتباط صمیمی با والدینش ندارد.

اما کودکانی که خشونت‌های فیزیکی را تجربه می‌کنند معمولاً جراحات‌های آشکاری روی بدنشان وجود دارد. آنها دائماً در هراس‌اند که مبادا کار بدی انجام بدهند. از تماس جسمی با دیگران هراس دارند و حرکت‌های ناگهانی و شدید دارند. لباس‌های نامناسبی می‌پوشند که نشانه تلاش برای پوشاندن جای زخم است.

همچنین کودکی که در معرض بی‌توجهی است سلامت و بهداشت ضعیفی دارد مثلاً موهای آلوده و بدن کثیفی دارد. بیش از اندازه بیمار می‌شود و بیماریش توسط والدین جدی گرفته نمی‌شود. در خانه تنها رها می‌شود و والدش به او اجازه می‌دهد در فضای نامطمئن بازی کند. دیر به مدرسه می‌رود و بیش از اندازه غیبت می‌کند.

کودک در معرض خشونت جنسی در راه رفتن و نشستن مشکل دارد. بیشتر از سن خودش به موضوعات جنسی علاقمند است و اطلاعات دارد. او ممکن است از فرد خاصی اجتناب و دوری کند. از درآوردن لباس جلوی والدینش خجالت می‌کشد، از خانه گریزان است.

چه کودکی بیشتر در معرض خطر است؟

اگرچه خشونت علیه کودکان فقط توسط کسانی که ما آنها را انسان‌های ناسالمی می‌دانیم اتفاق نمی‌افتد اما به طور کلی کودکی که در محیط خانوادگی پرخشونت زندگی می‌کند، والدین معتاد دارد، والدینی با اختلال روانی درمان نشده دارد و یا به همراه افرادی زندگی می‌کند که فاقد مهارت‌های لازم برای تربیت و مراقبت از کودک هستند بیشتر در معرض خشونت قرار دارد.

اصول و استانداردهای حفاظت از کودکان و چگونه آزار و سوءرفتار در کودکان به خشونت و بزهکاری منجر می‌شود؟ دو محتوایی است که می‌تواند در درک بهتر و کسب اطلاعات بیشتر در خصوص کودکان در معرض خطر مورد توجه قرار گیرد ضمن اینکه در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز مصادیق کودکان در خطر ذکر شده اند که باید به آن توجه کرد و با مشاهده چنین کودکانی آنها را از طریق شماره ۱۲۳ اورژانس اجتماعی گزارش کرد تا مورد حمایت و حفاظت قرار گیرند.



بهار ۱۴۰۳